

بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه‌ی کشور / ۱۳۶۸/۰۴/۰۶

حفظ موجودیت انقلاب، کار اول ماست که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است. به همین خاطر، امام(ره) مکرر می‌فرمودند: حفظ نظام اسلامی، واجبتین فریضه است. انقلاب، از نظام جمهوری اسلامی جدا نیست. نباید کسی خیال کند که این دو از هم جدا هستند. تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است که همه‌ی قلدرهای دنیا دست به دست هم داده بودند، تا او را ریشه‌کن کنند.

بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه / ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

آنچه که در حقیقت این حصار را الان نگهداشته، ایمان و روحیه‌ی مردم است. ایمان و روحیه را چه کسی برای مردم حفظ می‌کند؟ به نظر من، یکی از مهمترین عوامل حفظ ایمان و روحیه در مردم، همین نمازهای جمعه و خطبه‌های جمعه و حضور معنوی مردم در صحنه‌ی نماز جمعه است و این‌که یک نفر انسان امین، با زبان صادقی که مردم او را قبول دارند، هر جمعه از اوضاع کشور برای مردم می‌گوید و آنها را نصیحت، و جهت‌گیریشان را تصحیح می‌کند. به اعتقاد من، این مهم یکی از پایه‌های اساسی حفظ نظام اجتماعی ماست؛ در تاریخ هم همین‌طور بوده است. هم ائمه‌ی عدل - مثل رسول مکرّم اسلام(ص) - و هم خلفای جور در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس و امرای آنها در اقطار بلاد اسلامی، از نماز جمعه برای تحکیم پایه‌های حکومت استفاده می‌کردند. اینها که نظام باطلی داشتند، بر مبنای ظلم و تبعیض و عمل فاسقانه کار می‌کردند - مثل حجاج بن یوسف ثقفی - و نماز جمعه‌شان حقیقی نبود و دعوت به تقوایی که می‌کردند، به خاطر عمل غیربرهیزکارانه‌ی خودشان، اثر حقیقی را نداشت، اما در عین حال این حرفها تاثیر زیادی می‌گذاشت؛ چون حساسیت و اهمیت این تریبون زیاد است. در حال حاضر، دستگاه حقی بر مبنای امامت و ولایت حق به وجود آمده است و کسانی که امروز متصدی امر امامت جمعه‌اند، حقیقتاً انسانهای مومن و متقی و صادق و معنوی و روحانی و بی‌طمع هستند و قصد اقتدار و قدرتمندی ندارند و این منصب را مقام و موقعیت دنیایی نمی‌دانند. تاثیر و نقش این تریبون در چنین شرایطی، فوق‌العاده و طراز اول خواهد بود و قوام معنوی و حصار ایمانی جامعه را حفظ خواهد کرد. اگر ما این تریبون را نمی‌داشتیم، معلوم نبود وضع انقلاب و روحیه‌ی مردم چگونه بود. این، یکی از برکات انقلاب بود و امام(ره) به این نکته توجه داشتند.

بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شهدا، مسوولان امور فرهنگی بنیاد شهید و جمعی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان / ۱۳۶۸/۰۵/۲۵

بازماندگان شهدا باید به شهدا افتخار کنند؛ ولی به این کار اکتفا نکنند. باید راه شهدا را که راه دین و فداکاری برای اسلام و سربازی برای انقلاب و تقویت نظام اسلامی بود، دنبال کنید. بازماندگان شهدا، باید احترام به اسلام و استحکام بخشیدن به نظام و سربازی انقلاب را، بیشتر از بقیه‌ی مردم شعار خود قرار بدهند و در این راه حرکت کنند. بعضی خیال می‌کنند چون خانواده‌های شهدا مورد احترام و عطفوت دستگاههای دولتی و مردم هستند، دیگر وظیفه‌ی برعهده ندارند و با دادن شهید، از آنها سلب وظیفه شده است. این، اشتباه است. هر که برای این نظام بیشتر سرمایه‌گذاری کرده، بیشتر موظف به حفظ نظام است و هر که در شرکتی، سهم بیشتری داشته باشد، نسبت به منافع آن شرکت حساسیت بیشتری دارد. خانواده‌های شهدا چون با دادن عزیزشان، سرمایه‌گذاری بیشتری برای بقای نظام کرده‌اند، باید بیش از تمام مردم برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت آن حساس باشند؛ که بحمدالله این‌گونه هم هست و خوشبختانه بازماندگان شهدای ما به نحوی هستند که ان‌شاءالله کارشان موجب رضای روح مطهر شهدای ماست.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

جمهوری اسلامی که با پیدایش خود، راه نوینی در مقابله با زورگویان طراز اول عالم باز کرد و به ملت‌های مستضعف - مخصوصاً مسلمانان - امید تازه بخشیده و در مدت ده‌سالواندی رهبری امام راحل عظیم، بارها قلدران زمان را عملاً تحقیر کرده و دروغ شکست‌ناپذیری آنان را باطل ساخته است، باید هم بیشترین اهتمام امت اسلام و ملت ستم‌کشیده‌ی ما را به خود جلب کند؛ همچنان‌که آن پیشوای صالحان نیز همیشه بیشترین همت خود را به همین دو مساله می‌گماشت: پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت از جهت‌گیری راست و درست آن. و آن فقیه عظیم‌القدر و اسلام‌شناس بی‌بدیل، حفظ جمهوری اسلامی را برتر و با اهمیت‌تر از هر واجبی میدانست.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپانگهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملت‌های جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل‌السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزشهای انقلاب است.

بیانات در دیدار مسئولان دادگاه و دادسرای ویژه‌ی روحانیت / ۱۳۶۹/۰۸/۱۲

گاهی اوقات، به خاطر این‌که در جاهایی اهداف بزرگ وجود دارد، اهداف دیگر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. مثلاً حفظ نظام ایجاب می‌کند که در جهاد، اگر کفار متترس به مسلمین شدند - یعنی اسرا یا شهروندان مسلمان را جلوی خودشان گذاشتند، تا ما نتوانیم به آنها حمله کنیم - گمان می‌کنم بین علما خلافتی نباشد، لاقلاً خلیفه‌ای از شیعه و سنی گفته‌اند که کشتن این مسلمانان ایراد ندارد و دیه هم پرداخت نمی‌شود؛ با این‌که قتل نفس حرام است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۰/۰۵/۲۲

برادران! نظام را باید برپایه‌ی تقوا حفظ کرد؛ راه تقوا هم ذکر خداست. آقایان وزرا، آقایان نمایندگان، آقایان مدیران گوناگون کشور، مسوولان قضایی کشور، خودشان را بی‌نیاز از دعا و نافلة و ذکر و توجه و توسل و گریه و انابه به پروردگار ندانند؛ نگویند حالا ما که مشغول خدمت به مردم هستیم؛ دعا را کسی بخواند که خیلی کار ندارد؛ نه، اصل کار این است. اگر این نباشد، آنجا بی‌پشتوانه‌ایم. آنجایی که وسوسه‌ها در مقابل ما صف می‌کشند و من ضعیف تربیت‌نشده‌ی حریص به دنیا در مقابل این وسوسه‌ها قرار می‌گیرم، چه چیزی من را نگاه خواهد داشت؟ «قل ما یعبوا بکم ربی لولا دعاؤکم».

دعا کنید، نافلة بخوانید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه‌روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اولیای خدا و با ولی‌عصر(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و ارواحنا فداه) مانوس بشوید؛ با قرآن مانوس باشید و در آن تدبیر بکنید.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

به یکایک بسیجیان این کشور و آحاد مخلص و مبارز امت حزب‌الله، که شوق اول و هدف والای آنها، حفظ نظام اسلامی و جلب رضایت الهی است، عرض سلام می‌کنم.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۰/۱۲/۱۲

تحقیق آرزوهای اسلامی، کار ده سال و بیست سال نیست؛ تحقیق آرزوهای اسلامی، کار بلندمدت است و باید بتدریج انجام بگیرد و همه‌ی عوامل دست به دست

هم بدهند. معلوم است که آرزوهای اسلامی در مدت کوتاه تحقق پیدا نمی‌کند؛ معلوم است که در این‌جا و آن‌جا تخلفی پیدا می‌شود؛ معلوم است که همه‌ی دستگامها هنوز با نوای اسلامی حرکت نمی‌کنند؛ در این تردیدی نیست؛ غیر از این هم انتظاری نیست. اگر شما به صدر اسلام هم نگاه کنید، می‌بینید حتی زمانی که نفس مطهر پیامبر هم به مردم می‌خورد، این‌طور نبود که همه‌ی مردم یک‌شبه مسلمان بشوند و همه‌ی کارها در مدت کوتاهی اصلاح بشود. اصلاح کلی و عمومی، حرکت بلندمدت لازم دارد، که آن هم به عهده‌ی همه است؛ و از جمله‌ی این همه، ما معلمان و روحانیون هستیم که بیشترین تکلیف به عهده‌ی ماست. پس وظیفه‌ی اول، حفظ نظام است. هیچ کس نمی‌تواند به انکاز این‌که فلان‌جا فلان تخلف شده، حرکتی انجام بدهد یا حرفی بزند که این نظام اسلامی را تضعیف کند. البته برای اصلاح مفاسد، همه باید از طرق معقول خودش کار کنند. امر به معروف و نهی از منکر یک واجب اسلامی است و باید در میان مردم رایج بشود.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۲/۱۰/۱۵

دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الامتقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله؛ انسانها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیباییهای دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آنها به رژه در آورد و دلپایشان را برد؛ طوری‌که همه ارزشها را دور بریزند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الامتقین». تقوا در قیامت هم اثر می‌کند، در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند، در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند. و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید.

عزیزان من! می‌خواهم عرض کنم که، بار سنگین حفظ این امانت الهی - یعنی جمهوری اسلامی - بر دوش شماست. البته بدانید: من آدمی هستم که طبقات مختلف جامعه را می‌شناسم و با آنها ارتباط دارم. بنده الان خدا را شکر می‌کنم که این دیوارها و حجابها، نتوانسته است رابطه مرا با قشرهای مختلف مردم قطع کند. بنده خیلی خوشبینم. می‌بینم که دشمن، از صد تلاش در نود تلاش ناکام است. داخل مجامع و اجتماعات پاسداران را هم بحمدالله می‌شناسم. آنقدر چیزهای زیبا وجود دارد و انسان در بین شما جوانان عزیز، آنقدر کارهای بزرگ، همتهای بلند و گذشتهای افسانه‌وار مشاهده می‌کند که من بارها خدای بزرگ را به‌خاطر وجود چنین همتهای بلند و روحیه‌های عظیم و شخصیت‌های بزرگ و بی‌سرو صدا، شکر کرده‌ام و - به شما عرض می‌کنم که - خود من، احساس شرمندگی کرده‌ام. خودم را با این جوان مقایسه کرده‌ام، دیده‌ام که ما کجا و این جوان کجا؛ از این قبیل، خیلی هستند. بنده اینها را می‌دانم و می‌دانم که دشمن واقعا نتوانسته است یک دهم از کارهای خود را، در وضع کشور، نافذ کند. اما همان ده درصد و یک دهم، بنده را نگران می‌کند.

من می‌خواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمان با عظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجیها، به شما ارتشیهای مومن و دلسوز و ساخته و پرداخته انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده‌های گوناگون، از متوسطها، پایین‌تر از متوسطها و بالاتر از متوسطها، عرض کنم که عزیزان من! بار سنگین حفظ این امانت الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه اولیا و ائمه بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ ولو ناقص. (کاملش هم، ان‌شاءالله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه‌الله فی‌الارضین، ارواحنا لمراب مقدمه‌الفداه، ظاهر و آشکار خواهد شد.) این، بار خیلی سنگین و محموله پر ارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذت خیر، پول، ثروت و تجمل دنیا - آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم - خیلی کمتر و بی‌ارزشتر و حقیرتر از آن است که انسان به خاطر آنها بنیه معنوی خود را ضعیف کند و حمل این بار را به خطر بیندازد. مراقب باشید و دشمن را ناکام کنید.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۷۲/۰۱/۱۶

انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، از روز اول تا به حال روی آن تاکید می‌کند و می‌گوید حج، برای آشنایی مسلمانان با یکدیگر، اتحاد و تامین منافع مشترک مسلمانان و احتراز از دشمنان مشترک، یعنی «برائت از مشرکین» است. این‌جا چون مرکز اسلام است و لب روح و حقیقت اسلام، توحید است و خانه خدا، مرکز اقامه و مظهر و نماد و رمز توحید است، لذا شعار، شعار توحیدی است و برائت هم برائت از شرک است. این امر واضحی است. حالا می‌گویند: آقا! در کتاب مساله، کجا نوشته‌اند که برائت از مشرکین، جزو واجبات حج است؟ خوب؛ کجا نوشته‌اند که حفظ نظام اسلامی، از اوجب واجبات است و اگر کسی این را منکر باشد، اسلام را نفهمیده است؟

چیزهایی هست که نوشتن ندارد. هر جا که شما به اثری از دین نگاه کنید، این را به‌وضوح می‌بینید. البته انسان باید بصیرت، فهم، معرفت و قدرت درک داشته باشد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۷/۰۹/۲۳

همه مسوولان کشور، یک مسوولیت برعهده دارند. حفظ نظام الهی و اداره این کشور، اداره این مردم و رسیدن به مشکلات مردم، وظیفه اصلی اینهاست. باید با هم همکاری کنند و با هم همکاری می‌کنند. این که یک عده به رئیس جمهور اهانت کنند، یک عده به مجلس اهانت کنند، یک عده به قوه قضاییه اهانت کنند، این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد؛ این همان حالتی است که دشمن دنبال ایجاد آن است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

عده‌ای سعی می‌کنند اهمیت عامل پیوند مستحکم دل‌های ملت ایران - یعنی ایمان اسلامی - را کم کنند؛ نه، کشور و ملت یکپارچه است؛ البته یکپارچگی‌اش به خاطر تاریخ و جغرافیا و سنتها و فرهنگ است؛ اما عمدتا به خاطر دین و مساله رهبری است که اجزای این ملت را به هم وصل کرده و همه احساس یکپارچگی می‌کنند.

رهبری مسوولیت دارد. مسوولیت رهبری حفظ نظام و انقلاب است. اداره کشور به عهده شما آقایان مسوولان کشور است. هر کدام از شما در بخش خودتان کشور را اداره می‌کنید و وظیفه اصلی رهبری این است که مراقب باشد این بخشهای مختلف آهنگ ناساز با نظام و اسلام و انقلاب نزنند. هرچا چنین آهنگی به وجود بیاید، جای حضور رهبری است. رهبری هم یک شخص نیست. یک آدم، یک طلبه، یک علی خامنه‌ای، یا علی خامنه‌ای‌های فراوان دیگری که هستند، نیست. رهبری یک عنوان و یک شخصیت و یک حقیقت برگرفته از ایمان و محبت و عشق و عاطفه مردم و یک آبروست. صدها نفر مثل علی خامنه‌ای در راه این حقیقت جان و آبرویشان را می‌دهند؛ اهمیتی هم ندارد. بنده که چیزی نیستم؛ امام بزرگوار ما هم - که به معنای حقیقی کلمه برای این امت، امام دل‌ها بود - همین‌طور بود. او حاضر بود برای حفظ نظام و حفظ رهبری نظام، آبرویش را بدهد. این حقیقت حضور دارد. با این حرفهایی که می‌زنند و با این کارهایی که می‌کنند، نتوانسته‌اند و نخواهند توانست این حضور را از بین ببرند. در دوران اختناق که رهبری این تجسم را نداشت، دل‌های مردم متدین در قبضه رهبری بود؛ منتها رهبری‌ای که تشخیص و هویت قابل اشاره در بیرون و جایگاه قانونی نداشت؛ به صورت مراجع تقلید و به صورت علمای بزرگ، تاثیر خودش را بارها نشان داده بود؛ لذا آن وقتی که به فلان قرارداد ننگین استعماری اشاره می‌کرد، قرارداد از بین می‌رفت؛ آن وقتی که به یک حادثه نامناسب اشاره می‌کرد، آن حادثه مورد تخاصم مردم قرار می‌گرفت. پانزده خرداد که بنابر آنچه نقل شده است، چند هزار نفر آدم در آن حادثه جان خود را فدا کردند و کشته شدند، آن وقتی بود که امام بزرگوار ما رهبر به معنای قانونی خودش نبود؛ یک روحانی برجسته بود. این را نمی‌توانند ندیده بگیرند؛ این در شوری نبود؛ اگر بود، آنطوری نمی‌شد؛ اگر بود، آن وقتی که احساس می‌کرد پلتسینی وارد میدان شده تا به کار آینده حرکت شتابنده غیرمعقول و بی‌رویه‌ای بدهد، گوش او را می‌گرفت و از صحنه خارجش می‌کرد و مورد حمایت مردم

هم قرار می‌گرفت؛ اما چنین چیزی نبود.

بنده از تمام نهادهای قانونی کشور به‌جد دفاع می‌کنم. آنچه که در مورد اشخاص و شخصیتها و نهادها برای من مهم است، دفاع از جایگاه و مسوولیت آنها و کمک به حسن انجام کارشان است. رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، رئیس مجلس شورای اسلامی و بنده اینها، دستگاههای قانونی گوناگون، از این جهت برای من در سطح واحدی قرار دارند و من از مسوولیت همه آنها پشتیبانی و دفاع می‌کنم. البته این دفاع به خاطر این هم هست که بنده همه مسوولان درجه بالا را از نزدیک می‌شناسم و خلوص و دین و پابندی را در اینها مشاهده می‌کنم. البته این پشتیبانیها مطلق نیست. پیمان من با همه این برادران عزیز، پیمان دین و انقلاب است.

همان طور که گفتم، هدف و هویت و مسوولیت اساسی رهبری، دفاع از کلیت نظام و حفظ نظام است. چیزی هم بنده ندارم؛ جان و آبرو متاع کمی است برای این که در این راه بذل شود؛ و من کاملاً آماده‌ام این دو عنصری را که دارم، بذل کنم. دوره جوانی ما - که دوره لذت بردن از زندگی است - در این راه گذشته است. امروز هم در دوره پیری هستیم. بنده امروز در سنینی هستم که زندگی برایم این قدر لذتی ندارد. لذا این زندگی برای ما، امروز دیگر لذایت نیست. در آخر عمر، در فصل انحطاط عمر، در فصل ضعف قوای جسمانی و بقیه قوای موجود بشری، دلبستگی‌ای به حیات نیست. آنچه بنده دارم - جان و آبرو - مال این راه است؛ مال هم که الحمدلله ندارم.

بنده به این مسوولیت کنونی هم هیچ دلبستگی‌ای ندارم. ممکن است بسیاری از شما این را ندانید، اما در این جمع خلیفها هستند که می‌دانند. بنده به این مسوولیت فعلی هیچ دلبستگی‌ای ندارم، جز به عنوان انجام وظیفه. الان هم که مشغولم، فقط به خاطر انجام وظیفه است؛ از روز اول هم همین‌طور بود. از آن روز مجلس خیرگان، آقایان که رای دادند، با مقاومت و امتناع و مخالفت جدی و پیگیر خود بنده مواجه بودند؛ منتها وقتی مسوولیت آمد، گفتم: «خدا بقوه» آدمی نیستم که اگر مسوولیت بر دوش من گذاشته شد، بخواهم درباره انجام این مسوولیت، ضعف نشان بدهم؛ نه، این وظیفه من است و این وظیفه را به فضل الهی و به توفیق و هدایت او انجام خواهم داد.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل / ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

دین در آغاز، یک جهان‌بینی است. شناخت جهان به معنای این‌که این مهندسی عظیم، با دست صنع و قدرت لایزال الهی به‌وجود آمده است و انسان به عنوان یکه‌سواری است که می‌تواند در این محدوده عظیم، تلاش فکری کند؛ خرد را به کار اندازد؛ مناطق ناگشوده را فتح کند. به عنوان کسی است که می‌تواند تکامل حقیقی خودش و رسیدنش به مرتبه قرب را در این دنیا به‌دست آورد؛ و نگاه کردن به اشیای عالم، به عنوان ابزارهایی است که در دست انسان است برای این تکامل. این پایه است. بعد بر اساس این، یک مجموعه بنای زندگی به وجود می‌آید؛ زندگی فرد، زندگی جمع. البته در زندگی فرد، تکلیف هست؛ در زندگی جمع هم تکلیف هست. تکلیف، از «کلفت» است؛ یعنی سختی. هر تکلیفی، نوعی سختی دارد. انسان می‌تواند سختی ورزش را بر تن خودش هموار نکند. بسیاری از این ورزشکارها سختی‌هایی را تحمل می‌کنند. رفتن به قله سیلان، کوهنوردی، یا کشتی، یا بقیه رشته‌های ورزش، همه سختی‌هایی را دارد. یک نفر هم این سختی را بر خودش هموار نمی‌کند؛ اما محصول آن ورزش هم دیگر گریش نمی‌آید؛ آن قدرت جسمی، آن توانایی عصبی، آن زیبایی اندام و بقیه چیزهایی که ممکن است از ورزش حاصل شود. تکالیف دینی نیز همین‌طور است؛ انسان ممکن است نماز نخواند، روزه هم نگیرد، صدقه هم ندهد، تلاش هم نکند؛ راحت‌تر خواهد بود؛ این کلفت را نخواهد داشت؛ اما آن محصول‌هایی را هم که برای زندگی و سرنوشت انسان لازم است، نخواهد داشت. نظام اسلامی، نظامی است که اساس آن بر تأمین خواسته‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی انسان است. وقتی این برداشت را از نظام اسلامی داریم، آنوقت برای ایجاد این نظام و برای حفظ این نظام، بزرگترین ارزش را در همه‌ی کارهای دینی قائل می‌شویم. لذا امام فرمودند: «حفظ نظام اسلامی از واجب‌ترین واجبات است»؛ حقیقت نیز همین است.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

نقاط کلیدی که باید مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد، اینهاست: حفظ قانون اساسی و خط امام - که در وصیت‌نامه آن بزرگوار مجسم و متبلور است - و شعارهای اساسی و سیاستهای کلی کشور، اینها چیزهایی است که باید با همه وجود از آنها پاسداری کرد و آنها را گرمی داشت.

ما در کشور این همه مشکل داریم؛ پرداختن به این مسائل کوچک چه اهمیتی دارد؟ در جریان همکاری قوا با همدیگر، از این گونه موارد اختلاف بارها پیش می‌آید. آیا باید روزنامه‌ها و افراد سیاسی‌کار این را به مشغله عمده ذهنی جوانان تبدیل کنند؟! شما تسلیم نشوید و این چیزها را مشغله عمده خود ندانید. مشغله عمده‌ای که باید جوان را به خود متوجه کند، همین‌هایی است که گفتم: عدالت‌طلبی، حفظ نظام اسلامی، دشمن‌شناسی، اهمیت دادن به استقلال کشور، اهمیت دادن به پیوند و ارتباط بین مسوولان و مردم. البته چیزهایی هم هست که مخصوص جوانان عزیز ماست؛ بخصوص جوانانی که مشغول تحصیل علم هستند؛ و آن پرداختن به خود است.

بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان / ۱۳۸۲/۱۰/۲۲

ما شما را دعا می‌کنیم؛ دشواری کار شما را هم می‌دانیم. این‌طور کارها که رنگی از قضاوت دارد، همیشه مورد تهاجم است؛ بالاخره یکی از دو نفر در قضاوت، انسان را مورد طعن و دق قرار می‌دهند؛ این مساله قهری است و انسان بایستی خودش را برای این‌طور مسائل آماده کند. هرچه این فشارها بیشتر باشد، اجر شما پیش خدای متعال بیشتر است؛ از اینها خیلی ابایی نداشته باشید؛ بالاخره هست. در راه حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و برای اقامه این بنا رفیع و مستحکم که امید آینده امت اسلامی است و امروز هم مایه امید امت اسلامی است، باید مبارزه و مجاهدت کرد؛ باید سختیها را تحمل نمود. انواع و اقسام سختیها وجود دارد و این هم یکی از سختیهاست، که البته فقط هم این نیست. ان‌شاءالله این سختیها را تحمل کنید، خدای متعال اجر خواهد داد.

بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۴

عده پی سعی می‌کنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه‌ی فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه - طبق قانون اساسی ما - نافی مسوولیت‌های ارکان مسوول کشور نیست. مسوولیت دستگاه‌های مختلف و ارکان کشور غیرقابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت‌کننده است - آن طوری که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند - نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسوولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسوولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسوولیت‌های خود باشند. نقش ولایت

فقیه این است که در این مجموعه ی پیچیده و در هم تنیده ی تلاش‌های گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و عالی اش، مهمترین و اساسی ترین نقش ولایت فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛ همچنان که در طول تاریخ شیعه و تاریخ فقه شیعی در تمام ادوار، فقهای ما این را از دین فهمیدند و شناختند و به آن اذعان کردند. البته فقها برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند، اما این را جزو مسلمات فقه اسلام شناختند و دانستند؛ و همین طور هم هست.

فدردانی دفتر رهبر معظم انقلاب از استقبال کم‌نظیر مردم استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۲۱

قانون اساسی ما بسیار خوب و پیشرفته است. قانون اساسی از جمله‌ی همان چیزهایی است که دشمنان ما آن را آماج حملات خود قرار داده‌اند؛ چون این قانون اساسی با این خصوصیات و با این تقسیم قدرت می‌تواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش برد. این قانون اساسی می‌تواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست. این قانون اساسی می‌تواند ذهن‌ها را اشباع و اقناع کند و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند؛ می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند. بر اساس این قانون اساسی، امروز کشور در حال حرکت و پیشرفت است. نه این‌که نقص و ضعف وجود ندارد - بلاشک ضعف‌ها وجود دارد - منتها شما اگر وضعیت کشور و موقعیت استثنایی نظام جمهوری اسلامی را در نظر بگیرید، خواهید دید که از اول انقلاب پیشرفت ما در همه‌ی زمینه‌ها، پیشرفت خوب، در بعضی جاها عالی، و در برخی از بخش‌ها قابل قبول بوده است.

اقتداری که ما می‌توانیم در داخل به‌وجود بیاوریم، با بمب اتمی و سلاح هسته‌یی و تقویت نیروی نظامی نیست. البته تقویت نیروی نظامی در حد متعارف لازم است؛ اما آنچه می‌تواند ما را در مقابل تهاجم همه‌جانبه‌ی دشمنان در سطوح مختلف حفظ کند، همین فهرستی است که عرض کردم: تقویت ایمان، تقویت علم، تقویت فناوری، تسلط بر فنون روز، پیشاهنگ شدن در تولید علم، شکوفایی استعدادهای آحاد ملت و جوانان در رشته‌های مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم طبیعی، چه انواع گوناگون علوم تجربی - همبستگی ملی و تقویت همدلی در میان مردم؛ اینهاست که می‌تواند یک ملت را تقویت کند؛ می‌تواند هم دنیای خودشان را آباد کند، هم آنها را از آسیب دشمنان محفوظ نگه دارد. اینها وسیله‌یی است برای حفظ و صیانت؛ ما باید اینها را دنبال کنیم و خود را متعهد به انجام آن بدانیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۵/۰۷/۱۸

باید راه را باور داشته باشیم: «آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون کل آمن بالله»؛ یعنی آحاد مومنین به این راه، دست به دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند. این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را بکنند، پیروزی قطعی است. ما این را در طول این سالها تجربه کرده‌ایم. در میدان‌های گوناگون، آن‌جایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایستاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدس همین پیش آمد؛ در حفظ اساس این نظام مقدس، همین پیش آمده؛ در پیشرفت روزبه‌روز، بلکه ساعت به ساعت کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمده است. امروز شاخص‌های پیشرفت و توسعه را که ما در کشورمان نگاه کنیم و با اول انقلاب مقایسه کنیم، اصلا قابل مقایسه نیست. آن روز حدس هم نمی‌شد زد که با وجود آن مشکلاتی که سر راه هست، بشود به این نقطه رسید؛ اما به توفیق الهی رسیدیم. این بر اثر ایستادگی همراه با باور بود؛ و راهش همین است. اگر مسوولان کوتاهی کنند، این جزو گناهانی است که تأثیرش نه فقط برای اشخاص خودشان، بلکه برای ملت، تأثیر مخربی خواهد بود.

دیدار مسئولان اجرایی و جمعی از ائمه‌مختلف مردم استان یزد با رهبر انقلاب / ۱۳۸۶/۱۰/۱۶

دشمن تصور می‌کرد بعد از رحلت امام خمینی (ره) به عنوان یکی از ستون‌های اصلی حفظ نظام، می‌تواند با یک برنامه‌ریزی دقیق، پایه‌های فرهنگی و اعتقادی مردم را سست کند و با تغییر ذهنیت مردم نسبت به انقلاب اسلامی، زمینه‌ی بازگشت مجدد استبداد و سلطه‌پذیری را فراهم کند.

دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب / ۱۳۸۷/۰۶/۰۷

یکی از وظایف مهم مجلس خبرگان، حفظ و تقویت مبانی، شعارهای بنیادین و جهت‌گیرهای اصلی نظام است.

این شکل قانونی شامل بخشهای مختلف رسمی و قانونی نظام است و حداقل شرط حفظ نظام اسلامی، حفظ این شکل قانونی است اما این مسئله شرط لازم، ولی غیر کافی است.

شرط کافی حفظ نظام اسلامی را حفظ و تقویت محتوا و اصول اساسی نظام اسلامی است. اگر به محتوا و اصول توجه نشود ممکن است در زیر پوست شکل رسمی نظام، تغییرات تدریجی و بی سر و صدایی اتفاق بیفتد و نظام اسلامی را به سمت انحراف بکشاند که در برخی مواقع، خواص هم متوجه این انحراف تدریجی نمی‌شوند.

بخشهای نرم افزاری نظام اسلامی که در واقع همان جهت‌گیری‌های فکری، شاخص‌های اصلی و شعارهای بنیادین انقلاب است، مهمترین مسئله برای حفظ نظام است.

عدالتخواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبار ستیزی و منفعل نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم، و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی هستند که به هیچ وجه نباید تغییر کنند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

جمهوری اسلامی - که از انقلاب اسلامی برخاسته است - یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی

است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماعشان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی‌آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منت گذاشته است: «بل الله یمن علیکم ان هداکم للایمان» (5) منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحد دارای ابعاد است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است. مسئله‌ی ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین (علیهم السلام)، چه ولایت فقیه که دنباله‌ی ولایت معصومین و ادامه‌ی او هست. مسئله‌ی پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه‌ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در او تقیصی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی. اسلام آمریکائی فقط آن نیست که آمریکاپسند باشد؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه‌داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور است، اسلام‌های که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، هم‌اکنون مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام آمریکائی است. انسان مشاهده میکند در این معارضه‌هایی که با نظام در طول این سی سال انجام گرفته، این اسلام‌های گوناگون حضور داشته‌اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلام‌ها در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه میشوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه میشوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه میشوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده میشوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.

بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی / ۱۳۸۸/۱۰/۱۹

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روز نه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرات سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، مبارزان تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجانی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

مسائل جزئی داخل جامعه را میشود اصلاح کرد. جزئی که عرض میکنیم، نه اینکه بی‌اهمیت است - دارای اهمیت است - لیکن مسائل فردی و شخصی و جزئی و مربوط به اشخاص است؛ اینها را میشود اصلاح کرد. اساس این است که انسان بتواند نظام را حفظ کند. چالش اصلی نظام اسلامی از روز اول تا امروز این بوده است؛ یعنی حفظ نظام اسلامی و حفظ این اساس و حفظ آن مرزها و شاخصهائی که این نظام را از بقیه نظام‌های دنیا جدا میکند.

ما یک شباهتهائی به دیگران داریم، مشترکاتی داریم؛ لیکن آن چیزی که هویت اصلی این نظام را تشکیل میدهد - که آن، اطاعت از خدای متعال و سیر بر مسیر الهی است - بایستی محفوظ بماند. چالش واقعی و اصلی نظام ما از اول هم همین بوده است؛ یعنی مخالفان، نظام را، این حرکت بر اساس حکم الهی و دین الهی را برنمی‌تابند. چرا برنمی‌تابند؟ حالا بعضی با یک نگاه عمیق و نافذشان میفهمند که این یک تحدی بر علیه نظام‌های مادی است، لذا از این جهت با آن مواجهه میکنند؛ بعضی هم نگاه میکنند، آثار مرتب بر این نظام را در دنیا می‌بینند؛ همان طور که امام فرمودند هسته‌های حزب‌الله باید در همه‌ی دنیای اسلام تشکیل شود، می‌بینند تشکیل شده است. می‌بینند دلها به سمت اسلام گرایش پیدا کرده است. می‌بینند احساس هویت اسلامی در تک تک مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان اسلام به وجود آمده است؛ و این، منافع مادی آنها را تهدید میکند. به هر حال میفهمند منشا، اینجا است؛ لذا مقابله میکنند، معارضه میکنند. واقعا ما هیچ نظامی را سراغ نداریم که تا این حد معارضه‌ها با او شدید و جبهه‌ی استکبار در مقابل او همدست و متحد باشد. از اول انقلاب تا حالا این معنا وجود دارد.

خوب، ما بایستی به تحکیم و حفظ نظام اهتمام بورزیم. پایه‌های نظام، مشخص و معلوم است؛ همه باید بر اساس آن حرکت کنند؛ در جهت تحکیم این پایه‌ها بایستی تلاش کنند، حرکت کنند، اقدام کنند، ابتکار کنند.

ما امروز مواجه هستیم با یک جبهه‌ی دشمنی بزرگ در سراسر دنیای قدرتمندان؛ این جبهه‌ی است که شکل گرفته است در مراکز قدرت بین‌المللی، قدرتهای مالی و اقتصادی، که غالباً هم در مشت صهیونیستها و سرمایه‌دارهای بزرگ است. این جبهه در مقابل نظام اسلامی از همه‌ی وسائل استفاده میکند و در داخل هم متاسفانه کسانی به اینها جواب میدهند؛ کسانی میشوند طرف مورد اعتماد آنها، حرف آنها را تکرار میکنند، به آنها پاس میدهند، برای اینکه آنها بتوانند به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند! یک چنین حالتی متاسفانه وجود دارد. لیکن در مقابل آن، بیداری مردم، آگاهی مردم، انگیزه‌ی مردم، حضور مردم، دینداری مردم، علاقه‌مند مردم به میانی نظام و پایه‌های نظام وجود دارد. اینها حقایقی است که در جمهوری اسلامی وجود دارد. و ما پیش رفتیم. ما در طول این سالهای متمادی، خدا را شکر میکنیم که پیش رفتیم.

آنچه که وظیفه‌ی امروز ماست، حفظ این هندسه‌ی عظیم است؛ این را باید حفظ کرد. باید در حفظ این هندسه، مرزبندی کرد. این مرزبندی که من عرض میکنم، اینجا است؛ والا در مسائل مادون این - حالا چه مسائلی که در درجه‌ی دوم اهمیت است، چه در مراتب پایین‌تر - ممکن است اختلاف نظرهای باشد؛ این اختلاف نظرها به جامعه ضربه نمیزند. اختلاف نظر موجب پیشرفت میشود.

آنها می‌خواهند نظام اسلامی، نظام دینی، نظام مبتنی بر اطاعت از خدا و رسول وجود نداشته باشد. هر آن چیزی که تضمین کننده اطاعت عمومی این نظام است، برای آنها دشمن محسوب میشود؛ علیه‌اش اقدام میکنند، علیه‌اش فعالیت میکنند، همه‌ی تلاش خودشان را برای زدن آن متمرکز میکنند. این طرف قضیه بایستی تلاش و سعی خودش را بکند، برای اینکه همین ارکان اصلی را، این میانی و مبادی اصلی را حفظ کند. مسئله‌ی اصلی را بایستی مغفول‌عنه قرار داد. صریح و روشن هم بایستی خطوط را مشخص کرد. یعنی آن کسانی که پایبند به نظام اسلامی و پایبند به حضور مردم - با همین انگیزه و ایمانی که مردم دارند - هستند، باید مرزشان با کسانی که دلشان نمی‌خواهد این حرکت به این شکل، اسلامی ادامه پیدا کند، مشخص شود. با قانون معارضه میکنند، با قانون مخالفت میکنند. باید این مرز هم، مرز روشن و واضحی باشد تا مردم دچار خطا و اشتباه نشوند. مردم به ماها نگاه میکنند؛ ما بایستی بدانیم که خط چه جوری است. این، اصل قضیه است. هر چیزی که مادون این است، قابل اغماض است، قابل حل است. ولو اختلاف نظری هم وجود داشته باشد، این اختلاف نظر نباید به معارضه و مجادله و مخاصمه بینجامد؛ که از این مخاصمات، دشمن سود میبرد. حرف ما این است.

آن کسانی که این نقشی کلی را که متبلور است در قانون اساسی و حکمیت قانون و داور قانون، قبول دارند، جزو مجموعه‌ی نظام اسلامی هستند. آن کسانی که اینها را رد میکنند، کسانی‌اند که خودشان به دست خودشان صلاحیت حضور در نظام اسلامی را دارند از دست میدهند و صلاحیت ندارند. کسانی که حاضر نیستند قانون را تحمل کنند، کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که آن انتخابات عظیم چهل میلیونی مایه افتخار را زیر سوال می‌برند، یک نقطه‌ی قوت را برای نظام می‌خواهند تبدیل کنند به یک نقطه‌ی ضعف، اینها در واقع دارند خودشان، خودشان را از این کشتی نجات - که نظام اسلامی است - بیرون می‌اندازند؛ والا هیچ کس نمی‌خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد.

حضرت نوح نبی‌الله (علی نبینا و علیه السلام) به فرزندش فرمود: «با بنی اربک معنا و لا تکن مع الکافرین». نظام اسلامی هم تاسیا به حضرت نوح، به همه می‌گوید: بیائید ما با باشید، بیائید وارد این کشتی نجات شوید، «و لا تکن مع الکافرین». هدف و مینا این است. ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی‌کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان، خودشان را از نظام بیرون میکنند؛ خودشان را از نظام خارج میکنند.

امیدواریم که خدای متعال به ما توفیق بدهد تا بتوانیم نظام اسلامی را با همین کلیت و با همین جهت‌گیری درست که بحمدالله تا امروز آمده‌ایم، حفظ کنیم و بتوانیم به این نظام و به این مردم خدمت کنیم.

خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۹/۰۳/۱۲

امروز درباری امام بزرگوار در خطبه‌ی اول عرایضی را عرض میکنم؛ نگاه به امام از منظر یک شاخص. این نگاه از این جهت اهمیت پیدا میکند که چالش اصلی همه‌ی تحولات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلابها - صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی این انقلاب یا این تحول است. این مهمترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدفنایی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت میکند. این جهت‌گیری باید حفظ شود. اگر جهت‌گیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. لذا شما در قرآن ملاحظه میکنید که در سوره‌ی مبارکه‌ی هود، خدای متعال به پیغمبرش میفرماید: «فاستقم كما امرت و من تاب معك و لاتطغوا انه بما تعملون بصیر». پیغمبر را امر میفرماید به استقامت. استقامت، یعنی پایداری؛ راه را مستقیم ادامه دادن؛ در جهت درست حرکت کردن. نقطه‌ی مقابل این حرکت مستقیم در این آیه‌ی شریفه، طغیان قرار داده شده است؛ «و لاتطغوا». طغیان، یعنی سرکشگی؛ منحرف شدن. به پیغمبر میفرماید: هم تو - شخصا - هم کسانی که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید؛ «انه بما تعملون بصیر».

بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان / ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

مسئله‌ی حفظ نظام مطرح شد. به نظر ما - همین طور که گفتیم - حفظ نظام واجب است و واجب از همه‌ی امور است. نظام هم یک مرزهای مشخصی دارد که یکی از این مرزها، مرزهای اخلاقی و فرهنگی است و شکی نیست که باید حفظ شود.

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم / ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند. خوب، جوانان بسیجی ما - از پسرها و دخترها - در بخشهای مختلف مشغول تلاش هستند؛ تلاش فکری، تلاش علمی، تلاش سیاسی، تلاش اجتماعی؛ همه‌ی اینها وقتی برای خدا و برای انجام وظیفه باشد، مجاهدت و جهاد فی‌سبیل‌الله است. بسیجی آن کسی است که این کارها را انجام میدهد. در همه‌ی اینها باید آن خط روشن و صحیح را در نظر گرفت؛ یعنی خط انقلاب، خط حفظ نظام، خط احیای دین. اگر بخواهیم این سه عنصر را تامین کنیم، باید در درون خودمان با خودمان مجاهدت کنیم؛ یعنی جهاد اکبر. جهاد با نفس تلاشی است که امروز همه‌ی ما به آن احتیاج داریم.

بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

امروز مهمترین مسئله در باب انقلاب ما، وقتی به این سی و دو سال نگاه میکنیم، عبارت است از ثبات و استقامت. یعنی ما سر حرف خودمان ایستاده‌ایم. ایستادن بر سر اصول، برای یک ملت، برای یک مجموعه، افتخار است. اصول، چیزهایی است که باید بر سر آن ایستاد. ارزشها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفائی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تاکید بر جمهوری، به خاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکا به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست. پس حضور مردم، راک مردم، خواست مردم، دخالت مردم، شد یک نقطه‌ی اساسی؛ پس شد جمهوری اسلامی. این را باید حفظ کنیم، این را باید زنده نگه داریم، این پرچم بایستی برافراشته بماند. اگر توانستیم خودمان را به عمق و ژرفای این کلمه‌ی پرمغز - جمهوری اسلامی - هرچه بیشتر نزدیک کنیم، موفقیتها روزبه‌روز افزایش خواهد یافت؛ و این احتیاج دارد به همت بلند، همت مضاعف و کار مضاعف.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

یک چالش بزرگی همواره بر سر راه حفظ هویت این نظام وجود داشته است؛ الان هم وجود دارد، بعد از این هم خواهد بود. آن چالش عبارت است از چالش بین وفاداری و حفظ خطوط اصلی - یعنی اصول و میانی نظام - از یک طرف، و دستاوردهای پیشرفت مادی و معنوی برای نظام از طرف دیگر. این فکر گاهی اوقات پیش می‌آید؛ البته دلیل هم دارد که این فکر پیش می‌آید؛ چون آن هدفهای مترتب بر آن میانی، اینجور نیست که هدفهای زودرسی باشد، که حالا در طرف ده سال و بیست سال حتما این هدفها تامین شود؛ گاهی اوقات باید نسلها بگذرد تا این اهدافی که بر میانی آن اصول ترسیم شده است، تحقق پیدا کند. وقتی که این اهداف در میان‌مدت یا در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نکرد، این وسوسه به سراغ نخبگان و زبندگان و مسئولان می‌آید که نکند پایبندی ما به این اصول است که مانع میشود ما به این اهداف دست پیدا کنیم. این یک چالش بسیار مهمی است.

من مدتها قبل در یک صحبتی اشاره کردم که یکی از مظاهر عظمت امام بزرگوار عبارت بود از صبر در این قضیه. البته دوران ایشان، دوران کوتاهی بود - ده سال بیشتر طول نکشید - اما در همین دوران، ایشان پایه‌ها را محکم چید. یکی از کارهای امام این بود که به خاطر مشکلاتی که احیاناً پیش می‌آمد - چه در زمینه مسائلی داخلی، چه در زمینه چالش‌های بین‌المللی - ایشان از مبانی و اصول کوتاه نیامد؛ یعنی صبر کرد. من تعبیر کردم به صبر امام. صبر ایشان به این معنا بود که تحمل کرد. در برابر فشارهایی که می‌آمد، که آقا اگر چنانچه این حکم را نکنید، اگر قضیه سلیمان رشدی را مطرح نکنید، اگر چه نشود، اگر چه نشود، ممکن است ما به این موفقیتها دست پیدا کنیم، ایشان تسلیم نشد؛ ایشان پافشاری کرد. این چالش تا امروز هم وجود دارد.

خب، عده‌ای ممکن است به این فکر بیفتند که پایبندی ما به اصول موجب شده است که ما به این اهداف دست پیدا نکنیم؛ ناکامی‌هایی در سطح اداره داخلی یا در سطح مسائل بین‌المللی، ما را دچار مشکل کند. این چالش مهمی است؛ با این چالش باید هوشیارانه برخورد کرد. نه، درست، عبارت است از اینکه ما هر دو هدف را به موازات یکدیگر دنبال کنیم و بدانیم که این دو هدف با یکدیگر سازگار است؛ یعنی حفظ اصول و مبانی نظام و در واقع حفظ هویت نظام از یک طرف، و از طرف دیگر، دست یافتن به آن اهدافی که نظام تعریف کرده است؛ چه اهداف مادی و پیشرفتهای مادی و علمی و معیشتی و تمدنی و امثال اینها، و چه اهداف معنوی مثل استقرار عدالت و از این قبیل چیزها. باید بدانیم اینها سازگار است. و ما نمیتوانیم به آن اهداف برسیم، مگر اینکه به این اصول پایبند باشیم. یعنی به خاطر اینکه مشکلاتی در رسیدن به آن هدفها پیش می‌آید، از اصول دست برداریم، حالت قناعت حداقلی پیدا نکنیم؛ و بدانیم که اگر ما از اصول دست برداریم، حتی هویت نظام که از بین خواهد رفت، به آن هدفها هم نمیرسیم. ما در همین انقلابهای گوناگون، نظائرش را دیدیم. البته اصول آنها، اصول باطلی بود؛ اما تنازلهای آنها به هیچ وجه به آنها کمک نکرد.

اینکه ما بیائیم مسئله عقلانیت را مطرح کنیم و بگوئیم «بر سر عقل آمدن انقلاب»، این ما را به نتیجه نمیرساند. من یادم هست آن سالهای اول انقلاب، از جمله حرفهایی که زده میشد، این بود که بایستی ما انقلاب را سر عقل بیآوریم! یعنی عقلانیت را به عنوان یک وسیله، بهانه قرار بدهند و از اصول و مبانی و پایه‌های اصلی صرف نظر کنند؛ این نباید انجام بگیرد. «و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوك عن سبیل الله ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخرون». نایستی اصول را پامال کرد. البته این کار مهمی است؛ پیچیدگی‌هایی دارد، سختی‌هایی دارد و گاهی در موارد گوناگون، برای نخگان و زبندگان تردیدهایی پیش می‌آید. به عنوان یک اصل قطعی موضوعی، باید این را مسلم گرفت که پایبندی به اصول و حفظ خطوط اصلی نظام اسلامی، اصل است.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۴

نظام اسلامی با مبارزه به وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقق‌پذیر نبود؛ همه‌ی آرزوهای بزرگ در دنیا همین‌جور است. حفظ نظام و پایداری نظام هم با مبارزه به وجود آمد؛ اگر مبارزه مردم نبود، اگر مبارزه امام نبود، اگر مبارزه‌ی مسئولان در میدانهای مختلف نبود، این نظام باقی نمیماند و از بین میرفت. همچنانکه می‌بینید در یک نقطه‌ای از دنیا - که از ما دور هم نیستند - حادثه‌ای پیش می‌آید، فرصتی پدید می‌آید، لکن این فرصت را صاحبان فرصت نمیتوانند نگه‌دارند، آن را از دست میدهند؛ ببینید در شمال آفریقا و در بعضی جاهای دیگر چه خبر است. عینا این سرنوشت میتوانست برای جمهوری اسلامی پیش بیاید که در یک تخته بخورد و حرکتی به وجود بیاید و نظامی اسلامی با شعارهای رنگین و براق به وجود بیاید، بعد هم بعد از اندکی بکلی اوضاع دگرگون بشود و از بین برود. آنچه گذاشت این اتفاق بیفتد، مبارزه بود؛ مبارزه صمیمی و جدی و خردمندانه؛ این را ما فراموش نکنیم.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

این معنای مهم امر به معروف و نهی از منکر را نباید به مسائل زیر نصاب اهمیت منحصر کرد؛ بعضی تصور میکنند امر به معروف و نهی از منکر منحصر میشود به اینکه انسان به فلاں زن یا فلاں مردی که یک فرع دینی را رعایت نمیکند تذکر بدهد؛ البته اینها امر به معروف و نهی از منکر است اما مهمترین قلم امر به معروف و نهی از منکر نیست. مهمترین قلم امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از امر به بزرگترین معروفها و نهی از بزرگترین منکرها. بزرگترین معروفها در درجه‌ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، امر به معروف است؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگترین معروف است. معروفها اینها هستند؛ اعتدالی فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتدالی کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و وراى آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی؛ مهمترین معروفها اینها است و همه موظفند در راه این معروفها تلاش کنند؛ امر کنند. نقطه‌ی مقابل اینها هم عبارت است از منکرها، ابتذال اخلاقی منکر است، کمک به دشمنان اسلام منکر است، تضعیف نظام اسلامی منکر است، تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است، تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است؛ از این منکرها باید نهی کرد. اولین امر به معروف هم خود ذات مقدس پروردگار است که میفرماید: ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایئت ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ (۶) خدا امر به معروف و ناهی از منکر است؛ معروفها هم مشخص شده است، منکرها هم معلوم شده است. وجود مقدس پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه و آله) از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است؛ آیهی قرآن [میفرماید] «یا مرمم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر»؛ (۷) ائمه (علیهم‌السلام) بزرگترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند؛ در زیارت میخوانید: اشهد انک قد اقمت الصلاه و آتیت الزکاه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر؛ (۸) مومنین و مومنات در هر نقطه‌ای از جهان اسلام آمران به معروفند که فرمود: و المومنون و المومنات بعضهم اولیاً بعض بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوه و یتون الزکوه؛ (۹) اینها چهار پایه‌ی اصلی برای نظام‌سازی است که از هر کدام از اینها، شاخه‌هایی منشعب میشود. نظام اسلامی متکی است به اقامه‌ی صلوات، ایثار زکات، امر به معروف، و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان احاد مردم در نظام اسلامی.

دیدار نوروزی جمعی از مسئولان کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۱/۳۱

ایشان با اشاره به فداکاری‌ها و خون‌های ارزشمن ریخته‌شده برای تشکیل و حفظ نظام اسلامی، گفتند: امروز جبهه‌ی بزرگی از دشمنان خبیث در مقابل نظام اسلامی قرار دارند که هدف همه‌ی آنها نابودی یا از درون نهی کردن جمهوری اسلامی است و هرگونه تلاش برای زمین‌گیر کردن دشمن در تضعیف نظام، در واقع همان تقرب به درگاه الهی است.

بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی / ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

از پا انداختن و ریشه‌کن کردن سلطنت، کار کوچکی نبود که در این کشور انجام گرفت. این کشور قرنهای متممادی با سلطنت بار آمده بود؛ قدرت مطلقه بی‌اعتنای به مردم، بدون اتکالی به افکار عمومی، فعال مایشتا، حاکم مایرید؛ ما قرن‌ها این‌جور زندگی کرده بودیم. جمهوری اسلامی، امام امت، ملت پشت سر امام، توانستند این ریشه را قلع کنند؛ کار بسیار بزرگی بود؛ اما بعضی از کارهایی که بعد از قلع ریشه‌ی سلطنت اتفاق افتاد، بزرگ‌تر از اصل آن کار بود. حفظ نظام اسلامی در طول این چهل سال، میدانید چه فشار عظیمی را بر این کشور و بر این ملت وارد میکند؟ و این ملت توانست تحمل کند، توانست ایستادگی بکند. این مقایسه‌ی بین انقلاب اسلامی و این جنجالها و شورشها و قیامها و انقلابهایی که در کشورهای عربی اتفاق افتاد، مقایسه‌ی عبرت‌آموزی است. آنهایی هم که موفق شدند - مثلاً فرض کنید مثل بعضی از کشورهای شمال آفریقا که در مبارزه‌ی با فرانسه و مانند اینها توانستند استقلال به دست بیاورند - بعد از اندک‌مدتی در فرهنگ همان گروه استعمارگر هضم شدند.

